



هیچ کس از دنیا شادمانی ندید جز اینکه بعدا با اشک و آه روبرو شد

آیا هیچ مشاهده کرده اید که دنیا برای دنیاپرستان زاد و توشه ای جز گرسنگی فراهم کند؟ و جز فشار و تنگی، محلی برای آنان فراهم سازد؟

آیا هیچ مشاهده کرده اید که دنیا برای دنیاپرستان زاد و توشه ای جز گرسنگی فراهم کند؟ و جز فشار و تنگی، محلی برای آنان فراهم سازد؟ و جز تاریکی برای آنان نوری به ارمغان آورد؟ و یا جز ندامت چیزی به بار آورد؟ آیا چنین دنیایی را بر همه چیز مقدم می‌شمیرید؟!

امام علی(ع) در خطبه یکصد و یازدهم نهج البلاغه درباره دنیا و جاذبه های آن می‌فرماید: شما را از دنیا بر حذر می‌دارم زیرا دنیا ظاهرش شیرین و باطراوت است، در لابه لای شهوات قرار گرفته و به خاطر نقد بودنش جلب توجه می‌کند با اینکه مواهب آن کم و ناچیز است دلها را به خود می‌کشاند، آرزوهای دنیاپرستان را در خود جمع کرده، زیور غرور را به خود پوشیده است، شادمانی و نعمت آن پایدار نیست، از دردها و مشکلات آن ایمن نتوان بود، سخت مغرورکننده و زیانبار است، متغیر است و زوال پذیر، فناپذیر و نابودشدنی است، پیوسته کسان را می‌خورد و هلاک می‌کند، آنگاه که به حد اعلا برسد و به آرزوی دنیاپرستان جامه عمل بپوشاند و از آن راضی گردند بیش از آنچه در قرآن ذکر شده نخواهد بود که: «زندگی همچون آبی می‌ماند که از آسمان فرود می‌آید و به وسیله آن گیاهان فراوان و سر به هم داده و در هم پیچیده به وجود می‌آید چیزی نمی‌گذرد که خشک می‌شوند و بادهای آنها را پراکنده می‌سازند و خداوند بر همه چیز قادر است». (کشف / آیه 45)

هیچ کس از دنیا شادمانی ندیده جز اینکه پشت سرش با اشک و آه روبرو شده است، هنوز با خوشی‌هایش رو به رو نگشته که به ناراحتیهای پشت کردن آن، مبتلا می‌شود. هنوز باران ملایم خوشی، راحتی دائمی برایش پدید نیآورده که بلاها سیل آسا بر سرش فرو می‌بارند. هرگاه صبحگاهان بیاری کسی برخیزد شامگاهان خود را به ناشناسی می‌زند و اگر در یک طرف شیرینی و گوارایی داشته باشد، در طرف دیگر تلخی و گردباد بدبختی به پا می‌سازد، هنوز کسی از نعمتها و خوشی‌هایش به آنچه خواسته نرسیده که مشکلات و سختی‌هایش به او می‌رسد، شبی را بر پر و بال امنیت به سر نبرده، جز اینکه صبح گاه روی شه پره‌های لغزنده خوف قرار گیرد، بسیار فریبنده است و آنچه در آن است نیز فریبندگی دارد، فانی است و زود گذر و هر کس در آن است نیز فنا می‌پذیرد.

زاد و توشه های آن جز زاد و توشه «تقوا» بی‌فایده است، کسی که به مقدار کفایت از آن قانع باشد آرامش بیشتری بدست می‌آورد و آن کس که از آن بسیار بطلبد وسائل نابودی خود را بیشتر فراهم ساخته است و هر آنچه به دست آورده، به زودی از دست می‌رود، کسانی که به آن تکیه کردند به درد و رنج انداخت و افرادی که به آن اطمینان نمودند به زمینشان زد، چه افراد پرابهتی که سرانجام دنیا آنها را حقیر و کوچک ساخت و متکبران و فخرفروشان که به خاک مذلت کشانید، حکومت و ریاست آن، ناپایدار، زندگی آن تیره، گوارایش ناگوار، شیرینی آن تلخ و طعام آن سم‌است، طنابهایش کهنه و پوسیده، زندگانش در معرض مرگ و تندرستانش در معرض بیماری، حکومت آن بر باد می‌رود و نیرومندانش مغلوب می‌شوند، نعمتهای فراوانش به نیستی می‌گراید و همجوارانش غارت می‌شوند.

مگر شما در جایگاه پیشینیان خود قرار نگرفته اید؟! آنها که عمرشان از شما طولانی‌تر و آثارشان با دوام‌تر و آرزویشان درازتر، افرادشان فزونتر و لشکرهاشان انبوه‌تر بودند، دنیا را پرستیدند! آن هم چه پرستیدنی! و آنرا برگزیدند چه برگزیدنی! سپس بدون زاد و توشه ای که به منزلگاهشان برساند و بدون مرکبی که راه را به سرعت بپیماید از آن کوچ کردند، آیا به شما خبر داده اند که دنیا غرامت این همه زیانها را به آنها داده باشد؟ و یا کمکی به آنها کند؟ و یا لاقل برای آنان همنشین خوبی باشد؟! بلکه به عکس آنها را در زیر آفتهای گوناگون قرار داد و با محنتها خوارشان کرد و با مشکلات و بیچارگی‌ها آنها را ذلیل نمود، آنها را به صورت به خاک افکنده و پایمالشان کرده و گردش روزگار را بر ضد آنها برانگیخته است، به خوبی مشاهده کردید که دنیا در برابر آنها که در مقابلش خضوع کنند و آنرا بر همه چیز مقدم دارند و به آن تکیه نمایند، چهره در هم می‌کشند، ناآشنا جلوه می‌کند و این هنگامی است که از آن برای همیشه کوچ کنند.

آیا هیچ مشاهده کرده اید که دنیا برای دنیاپرستان زاد و توشه ای جز گرسنگی فراهم کند؟ و جز فشار و تنگی، محلی برای آنان فراهم سازد؟ و جز تاریکی برای آنان نوری به ارمغان آورد؟ و یا جز ندامت چیزی به بار آورد؟ آیا چنین دنیایی را بر همه چیز مقدم می‌شمیرید؟! و به آن مطمئن می‌گردید؟ و یا مردم را به سوی آن تحریص می‌کنید؟ دنیا بدخانه ای است برای کسی که نسبت به آن بدگمان نباشد و در سکونت گزیدن در آن خوفی نداشته باشد، پس بدانید و حتما می‌دانید - که سرانجام دنیا را ترک می‌گویید و از آن کوچ می‌کنید شما باید پند بگیرید از آنها که می‌گفتند «چه کسی از ما نیرومندتر است؟» که همانها را به سوی قبرشان حمل کردند، در حالی که اختیاری از خود نداشتند، درون قبرها وارد شدند در حالی که میهمان ناخوانده ای بودند، در دل سنگها خانه های قبر برای آنها ساخته شد و از خاک کفنهایی و از استخوانهای پوسیده، همسایگانی، ولی آنها، همسایگانی

هستند که هیچ صدایی را پاسخ نمی گویند و در برابر ستمگران کمکی برای نجات همسایه خود نمی کنند و به گریه ها اعتنا نمی نمایند.

چنان نسبت به همه چیز بی تفاوت می شوند که نه از باران، خوشحال و نه از قحطی مأیوس می گردند، همسایه اند ولی از هم دورا، با یکدیگر فاصله ای ندارند ولی هیچ گاه به دیدار هم نمی روند. نزدیکند ولی گویی با هم فاصله ها ندارند. عاقلانی هستند که کینه ها از دل آنها رفته بی خبرانی هستند که حسد در دلشان فرو مرده، از زبان آنها ترسی نیست و به دفاع آنها امیدی نمی باشد، درون زمین را به جای برونش انتخاب کردند و خانه تنگ و تاریک را به جای خانه های وسیع برگزیدند به جای بستگان، وادی غربت و به جای نور ظلمت را ترجیح دادند، به زمین بازگشتند آن چنانکه در آغاز از آن به وجود آمدند پابرنه و عریان شدند. خود از آن به سوی زندگی همیشگی و سرای جاودانی کوچ کردند، هم چنانکه خداوند سبحان می فرماید: همان طور که در آغاز آفریدیم باز هم بر می گردانیم وعده ای است قطعی که حتما آن را انجام خواهیم داد. (انبیاء / آیه 104)

امام علی(ع) کلماتی فراعصری و نیز متناسب با شرایط عصر خود درباره دنیا، به کرات ایراد کرده اند. تفکیک این دو نوع سخن در فهم دیدگاه امام علی(ع) ضروری به نظر می رسد. یک بخش عمده مطالب باقی مانده از آن حضرت درباره دنیا، به ظاهر، دنیا را به صورت منفی معرفی می کند؛ اما تامل در این قسم بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی صدر اسلام، نتیجه صوابی به دست نخواهد داد، چرا که «وجه خاص سخن امیرالمؤمنین در مورد دنیاپرستی... متوجه یک پدیده مخصوص اجتماعی آن عصر بود». بنابراین در ادامه بحث را در دو مرحله بحث را دنبال خواهیم کرد: مرحله اول، سخنان صریح امیرالمؤمنین(ع) درباره دنیا است؛ مرحله بعد، معطوف به کلماتی است که نیازمند تبیین آنها با محکمت اندیشه آن حضرت می باشد.

حضرت درباره توصیف دوره جاهلیت صریحا «بددنیایی» آن را در کنار «بددینی» مورد مذمت قرار می دهد: خداوند متعال، محمد(ص) را تبلیغ کننده بر عالمیان و امین برای فرستادن قرآن و رسالت مبعوث کرد و در آن حال شما گروه عرب دارای بدترین دین بودید و در بدترین جامعه [شردار] زندگی می کردید. در میان سنگهای سخت و مارهای ناشنوا سکن داشتید، آبهای تیره می آشامیدید و غذای خشن می خوردید و خونهای یکدیگر را می ریختید و از خویشاوندان خود قطع رابطه می کردید، تنها در میان شما (برای پرستش) نصب شده و گناهان و انحرافها سخت به شما بسته بود.

این سخن مولا به خوبی نشان می دهد که زندگی دنیوی و اصالت آن، در کنار زندگی دینی معنوی، در اندیشه آن حضرت جایگاه والایی دارد. فقدان زندگی بهتر دنیوی و اخروی علامت یک جامعه عقب مانده جاهلی است. به نظر حضرت علی(ع) دوره جاهلیت دوره ای است که علاوه بر تاریکی دین، درخت زندگی نیز به زردی گراییده و از ثمره زندگی خبری نیست. آب حیات انسانی به زمین فرو رفته، دنیا با قیافه ای زشت و کریه به اهلش می نگرد و با چهره عبوس با طالبانش روبه رو می شود. به جای آبادی و امنیت در دنیا، فتنه، وحشت و اضطراب از درون و شمشیر در برون شعله می کشد.

مردم در دنیا دو گونه اند: یکی در دنیا صرفا برای دنیا عمل می کنند و دنیا او را از آخرت بازداشته است. از فقر بازماندگانش نگران است و بر فقر خودش نگرانی ندارد، عمرش را در منفعت دیگری فنا می کند، و یکی در دنیا برای آخرت کار می کند و در عین حال بدون عمل جداگانه ای دنیایش نیز برای او حاصل می گردد و به این ترتیب هر دو بهره را همزمان به چنگ می آورد و هر دو دنیا را تصاحب می نماید و در نتیجه پیش خدا آبرومند می شود و از این طریق حاجاتش روا می گردد.

به راحتی می توان پذیرفت که بینش امام علی درباره دنیا با الگوهای «دو جهان نگر» از نوع سوم (دنیا و آخرت حداثری) سازگارتر است؛ اما این سؤال اساسی باقی می ماند که اگر آن حضرت به زندگی دنیوی و تلاش و کوشش برای آبادی آن (همانند زندگی اخروی و جد و جهد در راه آن) اصالت می دهند، چرا به کرات دنیا را مورد مذمت قرار داده اند و مؤمنان را بر جدا شدن از آن دعوت کرده اند؟ به عبارت دیگر، اگر منطق حضرت علی(ع) «و اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا و اعمل لآخرتک کانک تموت غدا» است، چرا در بیشتر موارد تنها به «اعمل لآخرتک کانک تموت غدا» پرداخته اند و مسئله «اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا» را کمتر مورد توجه قرار داده و یا به ندرت مؤمنان را به دنیاطلبی سفارش کرده است؟

مروری بر نهج البلاغه این پرسش را تأیید می کند؛ در این کتاب بارها از دنیا سخن به میان آمده و در اغلب موارد دنیا به تعبیر مختلف مورد نکوهش قرار گرفته است، و در مقابل، به آخرت گرایی ترغیب شده است؛ در خطبه ها و کلماتی مسأله بی وفایی دنیا مطرح گردیده، در بعضی از خطبه ها و سخنان آن حضرت دنیا با تعبیر مختلف مذمت شده است، در مواردی از فریفته شدن به دنیا هشدار داده شده و بالاخره در سخنان متعددی به دوری از دنیا سفارش گردیده است. در اکثر بیانات آن حضرت در کنار این نوع برخورد با دنیا، به مساله آخرت، معنویت، زهد و امثال این امور معنوی توجه ویژه ای صورت گرفته است.